

مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای

علی اکبر ایزدی فرد*

حسین کاویار**

چکیده

یکی از ویژگی‌های بارز و وظیفه مهم حکومت، رعایت اصل مسئولیت‌پذیری در ازای حقوق دیگران است، و در اندیشه و سلوک علوی مسئولیت‌پذیری حکومت همان پاسخگویی به مردم است. از دیدگاه امام علی (ع)، مسئولیت مدیران حکومتی در پاسخگویی به مردم، وظیفه‌ای بسیار مهم و آزمایش سختی برای آنان است و کسی می‌تواند موفق‌تر باشد و گوی سبقت را در عرصه خدمت‌رسانی از دیگران برآید که در انجام وظایف و تعهدات خود در قبال جامعه و مردم کوتاهی نکند و کارها را به نحو نیکو انجام دهد.

در مسئله مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومت، فرمانبرداری، اطاعت امر و اجابت درخواست دیگران در برابر وظایفی که برعهده کارگزاران است، مطرح می‌شود و عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی یعنی اصالت‌دادن به حقوق دیگران است به این معنا که «شما حق دارید و من تکلیف دارم». حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه در موارد متعدد به این نوع از مسئولیت اشاره کرده است. در این مقاله، پیرامون اصل مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مفهوم و موارد آن از منظر امام علی (ع) بحث و بررسی شده است.

* استاد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران ali85akbar@yahoo.com

** دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران h.kaviar@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: 89/10/12، تاریخ پذیرش: 89/11/18

کلیدواژه‌ها: اصل مسئولیت‌پذیری، مسئولیت اخلاقی، پاسخگویی، اخلاق حرفه‌ای، ارتباط متقابل.

مقدمه

در دیدگاه امام علی(ع)، فلسفه حکومت عبارت است از احیای حق، انهدام باطل و رساندن انسان از خاک به خدا است. این آرمان والا جز با حکومت صالحان تحقق نمی‌یابد. روشن است که امام(ع) باید کارگزاران خویش را از میان بهترین‌ها و نخبگان انتخاب کند تا اشتباهات و انحرافات احتمالی به حداقل برسد. از این‌رو، نخستین اقدام حکومتی امام(ع) پس از بیعت مردم، جابه‌جایی و عزل و نصب وسیع مدیران اجرایی نظام پیشین بود. معیارهای امام(ع) برای انتخاب کارگزاران در رده‌های گوناگون، برگرفته از متن دین و مورد رضای خدا و پیامبر اکرم(ص) بود. بدین منظور، آن حضرت(ع) در عهدنامه مالک‌اشترنخی برای هر صنفی از مسئولان حکومت، ویژگی‌های خاصی را برشمرده است؛ برای مثال، درباره صفات فرماندهان نظامی می‌فرماید:

برای فرماندهی سپاه، کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر(ص) و امام تو بیشتر و دامن او پاک‌تر و شکیبایی او برتر باشد، کسی که دیر به خشم آید، عذریزتر باشد، بر ناتوان رحمت آورد، با قدرتمندان با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس با آنان که گوهری نیک دارند و از خاندانی پارسایند و از سوابقی نیکو برخوردار، و نیز با رزم‌آوران و بخشندگان و جوانمردان روابط نزدیک برقرار کن که اینان بزرگواری را در خود جمع کرده و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

از دیدگاه حضرت علی(ع)، چرایی تشکیل حکومت اسلامی، مبتنی بر اقامه حدود الهی و انجام وظایفی است که برعهده دولت‌مردان است. ابن عباس گوید: به‌هنگام عزیمت امام علی(ع) به شهر بصره جهت جنگ با ناکثین در سرزمین «ذی قار»، درحالی‌که امام(ع) داشت کفش خود را پینه می‌زد، به خدمتش رسیدم؛ تا مرا دید، فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود:

و الله لهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا (نهج‌البلاغه: خطبه 33).
به خدا سوگند، همین کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت شما محبوب‌تر است مگر اینکه حقی را با آن به‌پا دارم یا باطلی را دفع کنم.

از نظر مولای متقیان علی(ع)، حکومت بر مردم به هیچ وجه هدف نیست، بلکه امانتی الهی است که باید در جهت خدمت به بندگان خدا و به عنوان وسیله‌ای جهت رفع نیازهای محرومان و نیازمندان و با نگاه کارگزاری برای مردم نه نگاه سلطه جویانه، قرار گیرد. حضرت(ع) در نامه به اشعث بن قیس - فرماندار خود در آذربایجان - می نویسد:

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن توست. باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی (زیرا در برابر مافوق خود، نگهبان مردمی). حق نداری به رعیت استبداد ورزی و در مورد مردم مطابق نظر و میل خود رفتار کنی. در امور مالی باید پس از اطمینان اقدام کنی؛ ثروتی که در اختیار توست، از اموال خدای عزوجل است و تو انباردار آن و درمقابل خدا و خلق مسئولی. (نهج البلاغه: نامه 5)

توصیه‌های امیر مؤمنان علی(ع) به مدیران و کارگزاران حکومت اسلامی در جدول 1 به تفکیک مندرج است:

جدول 1. توصیه‌های حضرت علی(ع) به کارگزاران و مدیران

نفی هرگونه سلطه و جبر حاکمان و حکومت	توصیه‌های حضرت علی(ع) به کارگزاران و مدیران حکومت اسلامی باتوجه به نامه 5 ایشان در نهج البلاغه
نفی آزادی عمل حکومت در استفاده از امکانات جز برای خدمت به مردم	
مسئولیت حفظ اموال و نگهداری از بیت‌المال	
پاسخگویی به مردم در عرصه مسئولیتی و مدیریتی	

مسئولیت‌پذیری زمامداران و کارگزاران حکومتی همان پاسخگویی است؛ زیرا پاسخگویی، نوعی فرمانبرداری، اطاعت امر و اجابت درخواست دیگران در برابر وظایفی است که برعهده دارند و برای شخص ایجاد تعهد می‌کند. در واقع می‌توان گفت که عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری همان پاسخگویی است، یعنی اصالت‌دادن به حقوق دیگران. به این معنا که «شما حق دارید و من تکلیف دارم»؛ و این اصل در سایه هماهنگی فرد با حق و عدم تقدم او بر خدا و رسول به دست می‌آید. به همین دلیل است که از دیدگاه حضرت علی(ع)، در نظام اسلامی، مدیریت‌ها باید به کسانی واگذار شود که در بعد اندیشه و عمل، اسلام را قبول داشته و تابع فرامین الهی، سنت نبوی و ائمه معصومین(ع) باشند. (نهج البلاغه: نامه 38)

هر مسئول و مدیری با آگاهی از این امر و با احراز شرایط مزبور است که درصدد تدوین مسئولیت‌های خود درقبال حقوق دیگران بر می‌آید و اینکه چگونه می‌تواند به هریک از آن مسئولیت‌ها به‌خوبی عمل کند. مسئولیت‌پذیران را می‌توان همان «انجام‌جویان» (مکنزی، 1371: 259) دانست؛ کسانی که در انجام وظایفی که برعهده آنان گذاشته شده است، نهایت سعی خود را به‌کار می‌برند و آنها را با دقت و به روش احسن انجام می‌دهند. همه این عوامل به‌اضافه عدم کوتاهی در انجام وظایف و تعهدات، مدیر را در امر مدیریت جامعه برتر و موفق‌تر می‌گرداند. حضرت علی(ع) فرمودند:

از جمله نشانه‌های فضل و کمال انسان، پاسخ مناسب و به‌موقع درقبال حقوق دیگران است. (محمدی ری‌شهری، 1405ق: 182/2)

مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومتی

اصل مسئولیت‌پذیری انسان که برآمده از خودآگاهی و اختیار او است، نوعی رفتار اخلاقی است که با الزام همراه بوده و تعهدآور است؛ تعهدی که با اختیار و تصمیم آدمی منافات ندارد. مسئولیت‌های اخلاقی، گاه به‌صورت «اخلاق فردی» است، به این معنا که هر فردی به‌عنوان شخص حقیقی، صرف‌نظر از کارش، در مورد رفتارهای خود درقبال خود، خانواده و جامعه مسئول است و باید پاسخگو باشد. تلاش درجهت کسب مکارم و فضایل، برآوردن حاجت دیگران، متابعت از حق و ملازمت با آن، پرداخت حقوق دیگران، استفاده بهینه از نعمت‌های الهی، رعایت حقوق دوستان و والدین و فرزند، توجه به مشکلات جامعه و کمک به مردم، از موارد مسئولیت‌های فردی است که در نهج‌البلاغه به آنها اشاره شده است. (نهج‌البلاغه: نامه 53 و حکمت‌های 98، 134، 244، 257، 330، 339، 446)

گاهی مسئولیت‌های اخلاقی به‌صورت «اخلاق شغلی» است. هر فردی با توجه به شغل و حرفه‌ای که دارد، مسئولیت‌های اخلاقی خاصی دارد؛ مانند مسئولیت‌های اخلاقی پزشک، کارمند بانک، وکیل و معلم. از دیدگاه حضرت علی(ع)، در هر شغل و حرفه‌ای، باید‌ها و نبایدهای خاصی وجود دارد که از آن جمله است: مسئولیت علما در نشر علم و دانش، مسئولیت کارمندان در رعایت تقوای الهی و اطاعت از خدا و ادای امانت و مردم‌داری، مسئولیت مدیران و کارگزاران در حمایت از دین خدا و مقابله با غرور و

علی اکبر ایزدی فرد و حسین کاویار 5

سرکشی گنهکاران و دفاع از حدود و ثغور مملکت اسلامی و فروتنی در برابر مردم، مسئولیت سرمایه‌داران در کمک به فقرا و ادای حقوق آنان. (نهج البلاغه: خطبه 105 و نامه‌های 26، 46 و حکمت‌های 328، 478)

قسم سوم از مسئولیت‌های اخلاقی «اخلاق سازمانی» یا «حرفه‌ای» است (← قراملکی، 1382ش: 97-107) که ناظر بر مسئولیت افراد به‌عنوان اشخاص حقوقی است و این غیر از مسئولیت‌های فردی و شغلی است که در آنها بر مسئولیت افراد به‌عنوان شخص حقیقی تأکید می‌شود. از منظر نهج البلاغه، در این فرض، مسئولیت‌های اخلاقی مبتنی بر نگرش کل‌گرایانه و سیستمی است؛ یعنی به‌دست آوردن حقوق، مساوی است با رعایت حقوق دیگران، و انجام وظایف خود در قبال حقوق دیگران عین احقاق حق خود است. حضرت علی(ع) در خطبه 216، با بیانی زیبا، ضمن توجه دادن مردم به‌عنوان امت اسلامی به مسئولیت‌های حرفه‌ای و سازمانی خود، به مسئولیت‌های حرفه‌ای و سازمانی حکومتی اشاره کرده که مفاد آن چنین است:

شما در برابر من به‌عنوان سرپرست حکومت وظایفی دارید و من نیز در برابر شما به‌عنوان حاکم وظایفی دارم و حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر اینکه همانند آن را انجام دهد. اگر طرفین به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل کنند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار می‌شود. پس روزگار اصلاح می‌شود و مردم به تداوم حکومت امیدوار می‌شوند و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌شود.

در این نوع مسئولیت، حاکم اسلامی و کارگزاران حکومتی به‌عنوان شخصیتی حقوقی، مسئولیت‌های ویژه‌ای در قبال امت اسلامی دارند. حضرت علی(ع) در خطبه 34، در ترسیم و تبیین آن مسئولیت‌ها می‌فرماید:

حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.

مردم نیز موظفند در کمک به حاکم اسلامی، حقوق وی را رعایت کنند و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود را به‌عنوان امت اسلامی به نحو نیکو انجام دهند. چنان‌که در ادامه می‌فرماید:

6 مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) ...

و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید؛ هرگاه شما را فراخواندم، اجابت کنید و هرگاه فرمان دادم، اطاعت کنید.

جدول 2. انواع مسئولیت‌پذیری مدیران و کارگزاران حکومت

<p>1. تلاش در جهت کسب مکارم و فضایل 2. برآوردن حاجت دیگران 3. متابعت از حق و ملازمت با آن 4. پرداخت حقوق دیگران 5. استفاده بهینه از نعمت‌های الهی 6. رعایت حقوق دوستان و والدین و فرزند 7. توجه به مشکلات جامعه و کمک به مردم</p>	<p>اخلاق فردی</p>	
<p>1. مسئولیت علما در نشر علم و دانش 2. مسئولیت کارمندان در رعایت تقوای الهی و ادای امانت و مردم‌داری 3. مسئولیت مدیران و کارگزاران حکومت در حمایت از دین خدا و مقابله با غرور و سرکشی گنهکاران و دفاع از حدود و ثغور مملکت اسلامی و فروتنی در برابر مردم 4. مسئولیت سرمایه‌داران در کمک به فقرا و ادای حقوق آنان</p>	<p>اخلاق شغلی</p>	<p>انواع مسئولیت‌پذیری مدیران و کارگزاران حکومت مبتنی بر خطبه‌های 105، 34، 216 و نامه‌های 26، 53 و شماری از حکمت‌های نهج‌البلاغه</p>
<p>1. داشتن نگرش کل‌گرایانه و سیستمی الف) یعنی به‌دست‌آوردن حقوق، مساوی است با رعایت حقوق دیگران. ب) انجام وظایف خود در قبال حقوق دیگران، عین احقاق حق خود است. 2. اصالت دادن به حقوق دیگران (رعایت اصل «شما حق دارید و من تکلیف دارم»). (← جدول 3)</p>	<p>اخلاق سازمانی یا حرفه‌ای</p>	

اخلاق حرفه‌ای کارگزاران حکومت

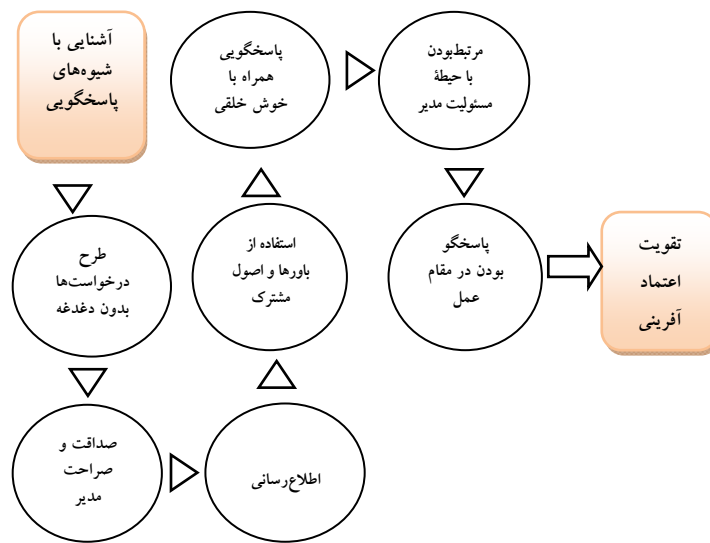
علی اکبر ایزدی فرد و حسین کاویار 7

براساس آنچه آمد، می توان گفت که مسئولیت پذیری کارگزاران حکومت تنها در قالب اخلاق حرفه ای تحقق می یابد. این نوع مسئولیت که نقطه مقابل فرهنگ استبدادی رفتار ارتباطی با تلقی «من حق دارم و دیگران وظیفه دارند» است، مبتنی است بر اصل «شما حق دارید و من تکلیف دارم». هر انسانی بر مبنای این اصل اولاً برای دیگران حق قائل است، ثانیاً در برابر حقوق دیگران احساس مسئولیت می کند و خود را به رعایت آن ملزم می داند. مسئولیت پذیری زمامداران و مدیران در قالب اخلاق حرفه ای، طبق فرمایش امام علی (ع) در نامه 50 نهج البلاغه، در جدول 3 درج است.

جدول 3. مسئولیت پذیری زمامداران و مدیران در قالب اخلاق حرفه ای

1. جمع آوری مالیات برای اداره جامعه اسلامی و مصرف صحیح بیت المال	مسئولیت پذیری زمامداران و مدیران حکومت در قالب اخلاق حرفه ای براساس نامه 50 نهج البلاغه
2. دفاع از کشور در مقابل دشمنان و بیگانگان و برقراری امنیت	
3. احیای سنت خدا و رسول گرامی اسلام (ص) و اقامه حدود و ارزش های الهی	
4. به سامان رساندن امور مردم و اصلاح در کارهای آنان	
5. گشاده رویی و فروتنی با مردم و مدارا و انصاف با آنان	
6. تلاش برای جلب رضایت مردم در انجام کارها و حل مشکلات آنان	
7. تقدّم حقوق جمعی بر حقوق فردی در فرض تعارض میان آن دو	
8. محوریت عدالت در همه عرصه های زندگی جامعه	
9. آموزش و ارتقای سطح دانش جامعه، تزکیه و پیرایش ناروایی های موجود در بین مردم و اصلاح فرهنگ آنان	
10. ایجاد فضای باز سیاسی و بیان آزادانه نظرگاه های همراه با رعایت اصول و مبانی دینی و انسانی	
11. تقدّم رضایت خدا بر رضایت خلق و استعانت از خداوند در امور	
12. توجه دادن مردم به اعمال عبادی در همه ابعاد آن (← خطبه های 34، 105 و نامه 53 و حکمت 437)	
13. اگر کارگزار و مدیر اموالی به دست آورد یا نعمتی به او اختصاص یابد، دچار دگرگونی نشود و با آن اموال و نعمت ها بیشتر به بندگان خدا نزدیک شود و به برادرانش مهربانی بیشتری روا دارد.	

نکته دیگر درباره اخلاق حرفه‌ای کارگزاران حکومت، پاسخگویی آنان در مقابل مردم است و این امر نیز با مسؤلیت‌پذیری آنان ارتباط تنگاتنگی دارد. آشنایی با شیوه پاسخگویی نقش مؤثری در تقویت اعتماد آفرینی دارد. ارتباط شیوه‌های پاسخگویی و تقویت اعتماد آفرینی باتوجه به سخنان امام علی(ع) در نمودار 1 نشان داده شده است:



نمودار 1. ارتباط بین شیوه‌های پاسخگویی و تقویت اعتماد آفرینی

1. در پاسخ‌دادن سعی شود شرایطی فراهم آید که افراد بتوانند بدون دغدغه و ترس، درخواست‌ها و مشکلات خود را به راحتی با مسئولان در میان نهند و پاسخ مناسب دریافت دارند. حضرت علی(ع) به مالک اشتر می‌فرماید:

روزی اینان را فراخ دار و از رسیدگی به کارشان دریغ‌مدار و روی ترش‌بدانان میار. بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای آنان فارغ دار و در مجلس عمومی بنشین و در آن مجلس در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسبانان، از آنان

علی اکبر ایزدی فرد و حسین کاویار 9

بازدار، تا سخنگوی آن مردم با تو گفت و گو کند بی درماندگی در گفتار؛ که من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می فرمود: «هرگز امتی را پاک از گناه نخوانند که در آن امت، بی آنکه بترسند و در گفتار درمانند، حق ناتوان را از توانا نستانند.» (نهج البلاغه: نامه 53)

2. پاسخگویی باید همراه با صداقت و صراحت باشد. حضرت علی (ع) در پاسخ به نامه معاویه که خود را خلیفه مسلمین و خیرخواه امت می دانست و از صلح و دوستی دم می زد، ضمن پاسخ به ادعاهای دروغین او فرمود:

از هم اکنون خود را دریاب و چاره ای بیندیش که اگر کوتاهی کنی و بندگان خدا برای درهم کوبیدنت برخیزند، درهای نجات به روی تو بسته خواهد شد و آنچه را که امروز از تو می پذیرند، فردا نخواهند پذیرفت. (نهج البلاغه: نامه 65)

3. پاسخ دادن به گونه ای باشد که همه از آن آگاه شوند و ضایع یا دوباره کاری نشود. شخصی از امام علی (ع) در مورد ایمان پرسید؛ حضرت (ع) فرمود:

فردا نزد من بیا تا در جمع مردم پاسخ گویم که اگر تو گفتارم را فراموش کنی، دیگری آن را در خاطرش بسپارد؛ زیرا گفتار چونان شکار رمنده است که یکی آن را به دست می آورد و دیگری آن را از دست می دهد. (نهج البلاغه: حکمت 266)

البته، حضرت علی (ع) در حکمت 31 به این سؤال پاسخ داده و ایمان را به چهار شعبه صبر، یقین، عدل و جهاد تقسیم کرده است.

4. در پاسخگویی سعی شود در موارد لزوم از اعتقادات و اصول مشترک که مورد قبول طرفین است، استفاده شود تا زودتر بتوان به نتیجه مطلوب دست یافت. امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ای که پس از جنگ جمل در سال 36 هجری توسط جریر بن عبدالله به معاویه فرستاد، در پاسخ به شبهات و انتقادات او، از روش استدلال و مناظره براساس عقاید مشترک استفاده کرد؛ زیرا معاویه به ولایت و امامت حضرت (ع) و نصب الهی و ابلاغ رسول خدا (ص) اعتقادی نداشت و تنها در شعارهای خود بیعت مردم و شورای مسلمین را مطرح می کرد؛ و امام علی (ع) در استدلال با او به ناچار معیارهای مورد قبول وی را طرح کرد و از این طریق درصدد اثبات حقایق خود برآمد؛ به این ترتیب:

10 مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) ...

اگر بیعت را قبول داری، مردم با من بیعت کردند و اگر به شورا احترام می‌گذاری، شورای مهاجر و انصار مرا برگزیدند؛ دیگر چه بهانه‌ای می‌توانی داشته باشی؟
(نهج‌البلاغه: نامه 6)

شایان ذکر است که حضرت (ع) نظرگاه‌های خود را درباره امامت و رهبری اهل بیت (ع) در خطبه‌های 1، 2، 93، 97، 120 و 144 به تفصیل بیان فرموده است.

5. پاسخگویی با خوش‌خلقی، خوشرویی، مهر و محبت همراه باشد نه با تبختر و تکبر. از دیدگاه مولای متقیان علی (ع)، حسن‌خلق، اساس همه نیکی‌ها و سبب بهره‌وری در کارها است. (ری‌شهری، 1405 ق: 138/3) انسان مؤمن، اهل معاشرت و مهر و محبت است و کسی که با دیگران الفت نگیرد، خیری در او نیست. (کلینی‌رازی، 1388 ق: 162/3 - 163) شیخ محمدباقر کمره‌ای در شرح اصول کافی ذیل احادیث مربوط به خوش‌خلقی گوید:

مقصود از خوش‌خلقی در روایات، عبارت است از اظهار مهر و ملاحظت و خوش‌نظری و خیرخواهی برای عموم معاشران از اهل هر مذهب و کیشی باشند و این خوش‌نظری و اظهار مهر و محبت به‌جا، به‌هیچ‌وجه با وظایف خاصی که در هر مورد و به هر کس وارد است، منافات ندارد. (کلینی، 1388 ق: 163/3)

6. به سؤالاتی پاسخ داده شود که به حیطة مسئولیت‌مدیر مرتبط باشد و گرنه پاسخگویی به هر سؤالی اولاً دخالت در کار دیگران و ثانیاً دال بر سفاهت و عدم رشد عقلی است. امام صادق (ع) فرمودند:

ان من اجاب فی کل مایسأل عنه لمجنون. (حرّ عاملی، 1414 ق: 166/27؛ مجلسی، 1403 ق: 117/2؛ صدوق، 1361: 238؛ نمازی شاهرودی، 1419 ق: 124/2)
همانا کسی که بخواهد در هر چیزی که از او سؤال می‌شود پاسخ دهد، دیوانه است.

7. مؤثرترین روش در پاسخگویی که تأثیر زیادی در اعتمادآفرینی دارد، این است که کارگزاران حکومت و زمامداران در مقام عمل پاسخگو باشند، نه صرفاً با لفظ و گفتار و ادعا و نوشته. امام‌باقر (ع) فرمودند:

پرافسوس‌ترین مردم در روز قیامت کسی است که عمل عدالتی را وصف کند (و در پاسخ‌دادن زیبا و نیکو سخن گوید) ولی خودش خلاف آن عمل کند. (حرّانی،

علی اکبر ایزدی فرد و حسین کاویار 11

1404ق: 298؛ برقی، بی تا: 120/1؛ حرّ عاملی، 1414ق: 295/15؛ مجلسی،
1403ق: 28/2 و 223/69 و 179/75؛ نمازی شاهرودی، 1419ق: 120/7 و
391/10؛ فیض کاشانی، 1416ق: 326/4؛ حویزی، 1412ق: 75/1 و 496/4

پاسخگویی در عمل یعنی قبل از این که زمامدار دیگران را به احساس مسئولیت،
وقت شناسی، ساده زیستی، دقت در کار، اخلاق نیکو و رعایت حقوق دیگران تشویق کند،
خود عامل به آن بوده و رفتارش در مقام عمل پاسخگو باشد.

حضرت علی (ع) فرمودند:

ای مردم! به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی و اداری نمی کنم مگر اینکه پیش از آن خود
بدان عمل کرده ام و از معصیتی شما را باز نمی دارم جز اینکه قبل از آن ترکش کرده ام.
(نهج البلاغه: خطبه 175)

امام (ع) در کنار توصیه دیگران به ساده زیستی و عدم اسراف و تبذیر، خود نیز عملاً اسوه
ساده زیستی بود، چنانکه فرمودند:

ان الله جعلني اماماً لخلقہ ففرض علی التقدیر فی نفسی و مطعمی و مشربی و ملبسی
كضعفاء الناس. (کلینی، 1388 ق: 410/1؛ بحرانی، 1411ق: 215/2؛ مازندرانی، بی تا:
43/7؛ مجلسی، 1403ق: 336/40؛ نمازی شاهرودی، 1419ق: 378/4؛ محمودی،
1396ق: 343/1)

خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داد و بر من واجب کرد که در خوردن، نوشیدن و
پوشیدنم همانند ضعیف ترین مردم باشم.

امام باقر (ع) فرمود:

به خدا سوگند که علی (ع) همچون بنده غذا می خورد و همچون بنده می نشست. اگر
می خواست به مردم غذا بدهد، نان و گوشت به آنان می خوراند، ولی خود به خانه می رفت
و نان جوین را با روغن زیتون و سرکه تناول می کرد. در مدت پنج سال ولایتش، آجری بر
آجر یا خشتی بر خشتی نهاد و تیولی به خود اختصاص نداد و سرخ و سفیدی (زر و
سیمی) به میراث برجای نگذاشت. (ابن شهر آشوب، 1405ق: 98/2)

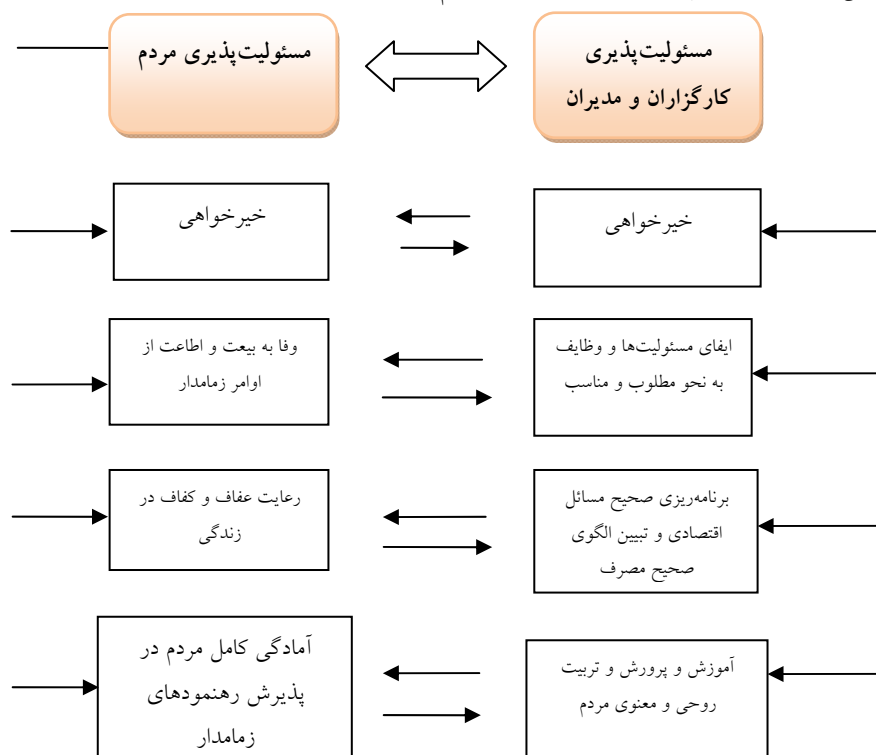
ارتباط متقابل مسئولیت پذیری کارگزاران و مردم

نکته مهم در مورد اخلاق حرفه ای کارگزاران، ارتباط نظام مند و منسجم

12 مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) ...

مسئولیت‌پذیری آنان و مردم است. همان‌طور که اشاره شد، اصل مسئولیت‌پذیری مبتنی است بر اینکه «شما حق دارید و من تکلیف دارم» و این براساس رابطه متقابل حق و تکلیف طرفینی است، یعنی طرف مقابل نیز به رعایت اصل «شما حق دارید و من تکلیف دارم» موظف است.

به بیان دیگر، مسئولیت‌پذیری حاکمان و کارگزاران، در ارتباط متقابل با مسئولیت‌پذیری آحاد افراد جامعه به‌عنوان امت اسلامی قابل تعریف و تبیین و توجیه است و حضرت علی(ع) در خطبه‌های 34 و 216 به آن اشاره کرده است. این ارتباط متقابل بین مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مردم در نمودار 2 نشان داده شده است:



نمودار 2. ارتباط متقابل مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مردم

حضرت علی (ع) در خطبه 34 اولین حق مردم بر زمامدار را خیرخواهی می‌داند؛ و همین را درباره حق زمامدار بر مردم نیز مطرح می‌کند، منتها در فرض اول به‌عنوان اولین حق و در فرض دوم به‌عنوان دومین حق مطرح شده و بعد از وفا به بیعت آمده است:

علت اختلاف در اهمیت این حق کاملاً روشن است؛ زیرا اگر مردم به بیعتی که با زمامدار کرده‌اند، وفادار نباشند، درحقیقت او را به مقام رهبری و پیشوایی نپذیرفته‌اند و با این فرض، نوبت به خیرخواهی نمی‌رسد، زیرا در این فرض اصل موضوع که رهبری و پیشوایی زمامدار است، منتفی است. در صورتی که در حقوق مردم برعهده زمامدار که مبتنی بر پذیرش زمامداری او است، اولین و بااهمیت‌ترین حق، همان خیرخواهی مطلق زمامدار درباره مردم است که مبنای اصلی رابطه مدیریت و رهبری برای مردم است. خیرخواهی درباره زمامدار قائم به حق، تکلیف الهی الزامی همه افراد جامعه است، به همان اندازه که خیرخواهی انسان‌ها درباره خویشان، یک تکلیف الهی الزامی است.

با نظر دقیق در نتایج مدیریت رهبران شایسته و قائم به حق در طول تاریخ و با نظر به شناخت ابعاد انسانی در رابطه با رهبران و با نظر لازم و کافی در منابع معتبر اسلامی، می‌توان رهبر و پیشوای شایسته یک جامعه را به عقل و وجدان آگاه آن جامعه تشبیه کرد، چنان‌که یک فرد انسانی فقط با رفتار صادقانه و خیرخواهانه درباره عقل و وجدان خود می‌تواند «زندگی منطقی» و «حیات معقول» خود را تأمین کند. همچنین، یک جامعه انسانی موقعی می‌تواند از «زندگی منطقی» و «حیات معقول» برخوردار باشد که درباره رهبر و پیشوای خود که به منزله عقل و وجدان آن است، رفتار صادقانه و خیرخواهانه داشته باشد. (جعفری، 1376: 39/9-40)

مورد دیگر، پاسخ مثبت مردم به دعوت زمامدار و اطاعت از دستورات او است. کارگزاران و حاکمان الهی، مردم را جز به اصلاح و خیر و سعادت دنیوی و اخروی دعوت نمی‌کنند؛ چنان‌که در سوره هود، آیه 88 آمده است که حضرت شعیب (ع) گفت:

من تا آنجا که بتوانم، چیزی جز اصلاح شما نمی‌خواهم و موفقیتی برای من جز با مشیت خداوندی نیست. من بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم. (هود، 88/11)

در قرآن مجید، در بسیاری از آیات، تذکر داده شده که بعثت پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی، همه و همه برای این است که مردم از جهل و فقر و نکبت و طغیان‌گری و خودمحموری‌ها بیرون آیند و به نور وارد شوند. در آیه‌های 15 و 16 سوره مائده آمده است:

برای شما نور و کتابی آشکار و آشکارکننده از جانب خدا آمده است. خداوند با آن نور و کتاب، کسانی را که در پی خشنودی اویند، به راه‌های سلامت راهنمایی می‌کند و آنان را به اذن خود از ظلمات بیرون می‌آورد و به نور وارد می‌کند.

براساس آنچه آمد، می‌توان گفت که عدم اجابت مردم به دعوت و دستورات حاکمان الهی، اولاً موجب ضرر و تباهی خود آنان خواهد بود، ثانیاً زمامدار را در اجرای وظایف خود که تعلیم و تربیت آنان، اجرای عدالت و اصلاح امور اقتصادی جامعه است، ناموفق می‌گرداند. درحقیقت، مسئولیت‌پذیری مردم به‌عنوان امت اسلامی، زمینه‌ساز ایفای مسئولیت‌های کارگزاران حکومت به‌نحو نیکو است؛ منتها به‌لحاظ زمانی، بر زمامداران است که ابتدا به وظایف خود عمل کنند، سپس از مردم ادای حقوق خود را انتظار داشته باشند؛ چنان‌که حضرت علی (ع) در خطبه‌های 34 و 216، ابتدا زمامداران را به انجام وظایف خود موظف و آنگاه به حقوق آنان بر مردم اشاره کرده است.

حقوق مردم بر زمامداران

اولین حقی که مردم بر کارگزاران و دولتمردان خود دارند، خیرخواهی درباره‌ی آنان است. علامه جعفری (1376: 26/9) می‌گوید:

این خیرخواهی، یک مفهوم اخلاقی محض نیست که معمولاً به لطف و محبت خوشایند و غیرالزامی اطلاق می‌شود، بلکه با نظر به تعریف حکومت و سیاست در اسلام که عبارت است از اداره‌ی جامعه در جهت تحقق بهترین هدف زندگی در دو قلمرو فردی و اجتماعی، ضرورتی است که بدون آن، مفهومی برای حاکم و سیاستمدار و زمامدار وجود ندارد. خیرخواهی زمامدار موقعی تحقق پیدا می‌کند که مردم جامعه مانند اجزا و عناصر شخصیت زمامدار تلقی شوند و در نتیجه زمامدار خوشی‌ها و ناخوشی‌های مردم و تضادهای مختل‌کننده‌ی زندگی در میان آنان را در درون خود احساس کند.

این احساس در نامه‌ای که حضرت علی (ع) به عثمان بن حنیف نوشته است، به صراحت درک می‌شود:

آیا به این امر قناعت کنم که به من امیرالمؤمنین گفته شود، ولی در ناگواری‌های روزگار با آنان شریک نباشم و در خشونت و سختی‌های زندگی الگوی آنان نباشم؟ (نهج‌البلاغه: نامه 45)

شایان ذکر است که خیرخواهی یک زمامدار و حاکم برای مردم فقط در امور مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه همه‌ی ابعاد مادی و معنوی را نیز شامل می‌شود. حضرت (ع) در خطبه‌ی

189 می‌فرماید:

علی اکبر ایزدی فرد و حسین کاویار 15

ای مردم! پیش از آنکه مرا نیابید، آنچه می خواهید از من بپرسید که من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می شناسم؛ بپرسید قبل از آنکه فتنه ها چونان شتری بی صاحب حرکت کند و مهار خود را بگسلد و مردم را بکوبد و بیازارد و عقل ها را سرگردان کند.

از مهم ترین نتایج خیرخواهی کارگزاران، مردم داری است. در منطق اسلام، حکومت وسیله ای برای رساندن مردم و جامعه به کمال و اهداف عالی انسانی - الهی است. بر همین اساس، بزرگان دین، از جمله حضرت علی (ع)، ارزشی برای حکومت و دنیا قائل نبودند:

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم پارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می انداختم و رهایش می ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می کردم؛ آنگاه می دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله ای بی ارزش تر است. (نهج البلاغه: نامه 27)

بنابراین، نگاهی که دین اسلام به حکومت دارد، در رفتار حاکم و کارگزار با مردم نیز مؤثر است. در منطق اسلام، حاکم باید نگاهی از روی مهربانی و عطوفت به مردم داشته باشد. اگر حاکم این نگاه را به مردم داشته باشد، از انحرافات و فسادهای حکومتی در اجتماع جلوگیری می شود. بدیهی است که این نگاه، دیگر اجازه ظلم و تجاوز و تعدی به حقوق مردم را به آنها نمی دهد و کار مردم به سرانجام می رسد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

امامت و رهبری شایسته نیست، مگر برای انسانی که سه خصلت داشته باشد: ورع که او را از معصیت خدا دور نگه دارد، بردباری که غضبش را نگه دارد، و نیکوولایت کردن بر کسانی که تحت ولایت او هستند تا برای آنان مانند پدر باشد برای فرزندان. (کلینی، 1388ق: 407/1)

انس بن مالک درباره شخصیت پیامبر اکرم (ص) می گوید:

هیچ شخصی محبوب تر از رسول خدا (ص) نزد مسلمانان نبود. (مجلسی، 1403ق: 229/16)

درباره سیره پیامبر اکرم (ص) نیز روایت شده است:

پیامبر اکرم (ص) با هر مسلمانی مهربانی می کرد، حتی با افرادی که با بدترین روش با پیامبر اکرم (ص) رفتار می کردند. (طباطبایی، 1416ق: 118)

پس در اسلام، حاکم خود را خادم و دوست و همدم مردم می‌داند و رسیدن به قدرت و حکومت را طعمه و فرصتی مغتنم برای ثروت‌اندوزی تلقی نمی‌کند. تصویری که امام علی (ع) از حکومت برای کارگزاران خویش به‌دست می‌دهد، «امانت‌بودن حکومت» است. اگر حاکم حکومت خویش را امانت تلقی کند، درصدد اصلاح کار مردم و کسب رضایت آنان برمی‌آید. امام علی (ع) طی نامه‌ای به اشعث بن قیس - فرماندار آذربایجان - نوشت:

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن تو است؛ باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، حق نداری به رعیت، استبداد ورزی و بدون دستور، به کار مهمی اقدام کنی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای عز و جل است و تو خزانه‌دار آنهایی تا به من بسپاری. (نهج البلاغه: نامه 5)

امام علی (ع) در همه نامه‌ها، فرمانداران و استانداران خود را به رعایت حقوق اجتماعی مردم سفارش می‌کرد و از نظر اخلاق اجتماعی، مسئولان نظام را به مردم‌داری، ابراز محبت و لطف به رعیت و مردم دستور می‌داد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه به مالک‌اشتر می‌فرماید:

مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی! زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو‌اند و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش؛ اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتری و امام تو از تو برتر و خدا از آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است، همو که انجام امور مردم مصر را به تو واگذاشته و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است.

همچنین در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر، شیوه‌های مردم‌داری و رعایت حقوق اجتماعی آنان را تذکر داده است:

با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان، و گشاده‌رو و خندان باش. (نهج البلاغه: نامه 27)

حق دوم مردم بر زمامداران، تقسیم عادلانه بیت‌المال و تنظیم کامل و برنامه‌ریزی صحیح مسائل اقتصادی جامعه است. از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، دولتمردان موظفند بر بیت‌المال نظارت داشته و بر نحوه مصرف آن دقیق باشند. آن حضرت (ع) وقتی با خبر شد که یکی از کارگزارانش از مقام خود سوءاستفاده کرده و از مسیر تقوا و عدالت و اعتدال خارج شده است، در نامه‌ای به او چنین فرمود:

همانا به من از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به‌خشم

آورده، امام خود را نافرمانی و در امانت خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده است که کشت زمین‌ها را برداشته‌ای و آنچه می‌توانستی گرفته‌ای و آنچه در اختیار داشته‌ای به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است. (نهج البلاغه: نامه 40)

نکته دیگر، تقسیم عادلانه بیت‌المال در بین مردم و بهره‌وری افراد جامعه از آن بدون تبعیض است:

پس از آنکه مردم با امام علی (ع) بیعت کردند، حضرت (ع) در یک سخنرانی عمومی، سیاست‌های خود را در احیای قرآن و سنت رسول خدا (ص) و اجرای عدالت اجتماعی و برخورد شدید با غارتگران بیت‌المال بیان داشت، آنگاه دستور داد موجودی بیت‌المال را به گونه‌ای مساوی تقسیم کنند که به هر نفر سه درهم می‌رسید. به ابورافع - نویسنده و منشی خود - فرمود: از مهاجرین شروع کن و نام فرد فرد آنها را بخوان، سپس اسامی انصار و دیگر مردم را بخوان و به همه سه درهم بده و بین سیاه و سفید و سرخ و سفید فرقی مگذار! سهل بن حنیف گفت: یا امیرالمؤمنین، این شخص دیروز غلام من بود و امروز آزاد شد؛ بین من و او فرقی نمی‌گذاری؟ امام علی (ع) فرمودند: به او نیز همانند تو می‌بخشم؛ و به هر یک از آن دو، سه درهم داد. از این رو، مخالفت‌ها شروع شد و طلحه و زبیر و عبدالله بن عمر و سعید بن عاص و مروان بن حکم و چند تن از قریش ناراحت شدند و سهم خود را نگرفتند. (کلینی، 1388ق: 318/8 - 319)

علاوه بر آنچه گفته شد، تبیین الگوی صحیح مصرف نیز می‌تواند عامل مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی جامعه باشد. از دیدگاه حضرت علی (ع)، الگوی مصرف عبارت است از قناعت و رعایت اصل کفاف و عفاف در زندگی. (نهج البلاغه: حکمت‌های 43 و 44)

البته کفاف، یک اصل اقتصادی در اسلام است، ولی عفاف مفهومی عام دارد و به مسائل اقتصادی اختصاص ندارد و اینکه عفاف و کفاف را با هم می‌آورند، بدین جهت است که بین آن دو رابطه محکمی برقرار است، به این معنا که مسلمانان با رعایت کفاف، از تبعات مصرف زیاده از حد مصون می‌مانند و در کسب دنیا حرص نمی‌ورزند و دنیاطلبی بر آنها غلبه نمی‌کند.

رعایت اصل کفاف و عفاف در مصرف، از لوازم رفتار عقلایی برای رسیدن به هدف است؛ زیرا مصرف بیشتر یا کمتر از حد کفاف، مانعی برای رسیدن به هدف (یعنی زهد) یا سبب دیرتر رسیدن به آن است. اولاً از تبعات مصرف زیاد، مشغول شدن ذهن و غافل ماندن از وظایف مهم‌تر است، هم‌چنان‌که مصرفی کمتر از حد کفاف نیز از آنجا که به سلامتی انسان لطمه وارد می‌کند، در اسلام پذیرفته نیست، ثانیاً زیاده‌روی در مصرف موجب انتقال

منابع تولیدی جامعه از کاربرد آن در جهت بالابردن قدرت تولیدی جامعه به تولید کالاهای مصرفی غیرضروری و استهلاک آن منابع است، ثالثاً عدم رعایت اعتدال در مصرف باعث تنوع‌طلبی و بزرگ‌تر شدن سبد مصرفی انسان می‌شود و در نتیجه عادات مصرفی انسان قوی‌تر می‌شود که این خود امری نامطلوب و دارای عواقب ناپسند است.

حق سوم، تعلیم مردم جامعه برای رهاساختن آنان از جهل و بی‌سوادی است. براساس روایات اسلامی، تعلیم و تعلم بر همه مسلمانان واجب است؛ زیرا حقیقت و رشد انسان، در علم و آگاهی و حیات معقول است. حضرت علی(ع) ضمن تشویق دیگران به کسب علم و دانش، خود نیز با همه مشغله فراوانی که داشت، به تألیف کتاب همت گماشت. کتاب فقهی امیرالمؤمنین(ع) طبق نقل امام صادق(ع)، کتابی مفصل و دارای صفحاتی بی‌شمار بود که فرمود:

کاغذهای آن 70 ذرع طول داشت که با خط امام(ع) نگاشته شد و همه حلال و حرام در آن مشروحاً بیان شد و نیز هر چیزی که انسان‌ها و امت اسلامی نیاز داشتند، جواب آن در این کتاب آمده است. (مجلسی، 1403ق: 22/26-23؛ کرکی، 1408ق: 8/1؛ موسوی خمینی، 1418ق: 22؛ انصاری، 1415ق: 39/1؛ صفار، 1404ق: 163؛ کلینی، 1388ق: 239/1؛ مازندرانی، بی‌تا: 264/2 و 334/5؛ حرّ عاملی، 1414ق: 6/1؛ بحرانی، بی‌تا: 129)

حضرت علی(ع) در برخورد با شبهات دینی و پرسش‌های مختلف مردم، آن‌چنان سعه صدر داشت که با بزرگواری و تحمل و صف‌ناشدنی به پرسش‌های آنان پاسخ می‌داد. در جریان جنگ جمل، یکی از یاران حضرت(ع) سخت در تردید قرار گرفت: از یک طرف امام علی(ع) را می‌دید و شخصیت‌های بزرگ اسلامی که در رکاب او شمشیر می‌زدند و از طرف دیگر عایشه همسر رسول خدا(ص) و طلحه و زبیر، به شک افتاد که کدامیک به حق نزدیک‌ترند؟ سرانجام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و گفت: آیا ممکن است طلحه و زبیر و عایشه بر باطل اجتماع کنند؟ حضرت(ع) در جواب او پاسخی داد که به تعبیر دکتر طه حسین - دانشمند مصری - سخنی محکم‌تر و بالاتر از این یافت نمی‌شود و بعد از وحی، سخنی به این بزرگی شنیده نشده است. حضرت فرمود:

حقیقت بر تو مشتبه شده است؛ همانا حق و باطل را نمی‌توان با میزان قدر و شخصیت افراد شناخت، بلکه ابتدا سعی کن حق و باطل را بشناسی تا به‌واسطه آن، از اهل حق و باطل آگاهی پیدا کنی. (دشتی، 1379: 306/2)

شایان ذکر است که حق مزبور در صورتی می‌تواند تحقق پیدا کند که مردم با آمادگی

کامل در پذیرش رهنمودهای حاکم و زمامدار، قابلیت‌های خود را به‌منصه ظهور برسانند. حق چهارم، تربیت مردم و رشد روحی و معنوی آنان در کنار کسب علم و دانش است؛ چراکه به فرموده حضرت علی (ع):

علم، میراث گرانبهایی است و تربیت و آداب ارزشمند اخلاقی، لباس فاخر و زینتی است. (نهج البلاغه: حکمت 5)

ای مردم، خودتان عهده‌دار تربیت نفس خویش باشید و نفس را از کشیده شدن به طرف هوس‌ها و عادات ناروا بازدارید! (نهج البلاغه: حکمت 359)

از آنچه گفته شد چنین برمی آید که:

سیاست در اسلام فقط برای تنظیم روابط مادی افراد جامعه نیست، بلکه این سیاست با کمال جدیت، پیشبرد روحی پیروان خود را هم در متن خود تضمین کرده است. این سیاست زندگی مادی چندروزه، فرزندان آدم را هدف خلقت انسان‌ها نمی‌داند، بلکه هدف اعلائی را برای انسان‌ها اثبات می‌کند و «حیات معقول» را که تحقق یافتن آن هدف اعلا را به‌عهده می‌گیرد، به‌وجود می‌آورد. (جعفری، 1376: 36/9-37)

نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران، به‌معنای پاسخگویی در برابر وظایفی است که برعهده دارند و به‌عنوان اخلاق حرفه‌ای و سازمانی باید توجه جدی به آن داشته باشند. از دیدگاه حضرت علی (ع)، این نوع مسئولیت مبتنی است بر اینکه «شما حق دارید و من تکلیف دارم»؛ که مهم‌ترین موارد آن عبارتند از: جمع‌آوری مالیات و مصرف صحیح آن در جهت توسعه و رشد اقتصادی کشور، دفاع از کشور در مقابل دشمنان و برقراری امنیت، احیای سنت خدا و رسول گرامی اسلام (ص) و اقامه حدود و ارزش‌های الهی، گشاده‌رویی و فروتنی با مردم و رعایت انصاف با آنان، محوریت عدالت در همه عرصه‌های زندگی جامعه، تقدّم حقوق جمعی بر حقوق فردی به فرض تعارض میان آن دو، آموزش و ارتقای سطح دانش جامعه، و تزکیه و پیرایش ناروایی‌های موجود در بین مردم و اصلاح فرهنگ آنان.

از منظر نهج البلاغه، مسئولیت‌پذیری کارگزاران، در ارتباط متقابل، نظام‌مند و منسجم با مسئولیت‌پذیری مردم به‌عنوان امت اسلامی است که حضرت علی (ع) در خطبه 34 به آن اشاره کرده است و عبارتند از: وفاداری، خیرخواهی در آشکار و نهان، و اجابت و اطاعت دستورات و فرامین حاکم.

اساسی‌ترین نتیجه مسئولیت‌پذیری زمامداران که همان پاسخگویی در مقابل مردم و اصالت‌دادن به حقوق آنان است، اعتمادآفرینی است که می‌تواند زمینه‌ساز انجام وظایف مردم در برابر حکومت باشد و مهم‌ترین موارد آن عبارتند از: طرح مشکلات توسط مردم بدون دغدغه و ترس و پاسخ مناسب به آنان، صداقت و صراحت در پاسخگویی، خوشرویی و خوش خلقی در ارائه پاسخ، توجه به اعتقادات مشترک در مقام پاسخ‌دادن، پاسخگویی به سؤالات در محدوده وظایف و پاسخگویی عملی به این معنا که حاکم و زمامدار حکومتی قبل از اینکه دیگران را به احساس مسئولیت، وقت‌شناسی، ساده‌زیستی، دقت در کار، اخلاق نیکو، مصرف صحیح بیت‌المال و رعایت حقوق دیگران تشویق کند، خود نیز عامل به آن بوده و رفتارش در مقام عمل پاسخگو باشد.

منابع

قرآن.

- ابن شعبة الحرّانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین (1404ق). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن شهر آشوب (1405 ق). *مناقب آل ابی طالب (ع)*، بیروت: دارالاضواء.
- انصاری، محمد علی (1415ق). *الموسوعة الفقهية الميسرة*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بحرانی، هاشم (1411ق). *حلیة الابرار فی احوال محمد (ص) و آله الاطهار (ع)*، تحقیق غلامرضا مولانا بحرانی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- بحرانی، هاشم (بی تا). *ینابیع المعاجز*، قم: مطبعة العلمیة.
- البرقی، احمد بن محمد بن خالد (بی تا). *المحاسن*، تحقیق جلال‌الدین حسینی، قم: دارالکتب الاسلامیة.
- جعفری، محمد تقی (1376). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (1414ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- حویزی، علی بن جمعة العروسی (1412ق). *تفسیر نورالتقلین*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- دشتی، محمد (1379). *امام علی (ع) و مسائل سیاسی*، قم: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (1361). *معانی الاخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی.
- صفّار، محمد بن الحسن بن فروخ (1404ق). *بصائر الدرجات الکبری*، تحقیق میرزا محسن کوجه‌باغی، تهران: مؤسسه الاعلمی.

علی اکبر ایزدی فرد و حسین کاویار 21

- طباطبایی، محمدحسین (1416 ق). سنن النبی (ص)، تحقیق محمدهادی فقهی، قم: انتشارات اسلامی.
- فیض کاشانی، محسن (1416 ق). تفسیرالصافی، تهران: مکتبه الصدر.
- قراملکی، احد فرامرز (1382). اخلاق حرفه‌ای، تهران: نشر مجنون.
- کرکی، علی بن الحسین (1408 ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع) لاحیاء التراث.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد (1388 ق). الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مازندرانی، محمد صالح (بی تا). شرح اصول الکافی، با تعلیقات ابوالحسن شعرانی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- مجلسی، محمدباقر (1403 ق). بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد (1405 ق). میزان الحکمه، بیروت: الدار الاسلامیه.
- محمودی، محمدباقر (1396 ق). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- مکنزی، آک (1371). مدیریت بهره‌وری از زمان، ترجمه محمد رضایور، تهران: نشر چاهه.
- موسوی خمینی، روح الله (1418 ق). الاجتهاد و التقليد، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نمازی شاهرودی، علی (1419 ق). مستدرک سفینه البحار، تحقیق حسن نمازی شاهرودی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نهج البلاغه (1379). ترجمه محمد دشتی، قم: نشر الهادی.